

## کلام امام



**بعضی‌ها خودشان را به اشتباه می‌اندازند!**

من لازم است که یک تذکر به شما بدهم که بدانید مقصود ما از اصلاح دانشگاه‌ها چیست؟ بعضی گمان کردند کسانی که اصلاح دانشگاه‌ها را می‌خواهند و می‌خواهند دانشگاه‌ها اسلامی باشد، گمان کردند که علوم دو قسم است: هر علمی دو قسم است. علم هندسه، یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. علم فیزیک، یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و بعضی توهم کردند که اینها قائلند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود، (منظورشان اینست که) فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد. یعنی همان شأنی را که مدارس قدیم دارند باید در دانشگاه‌ها هم همان تدریس بشود. اینها اشتباهاتی است که بعضی می‌کنند یا خودشان را به اشتباه می‌اندازند.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۴۸

## گزیده خبر

## هشدار شدیداللحن به وزیر ارشاد

بسج دانشجویی ۴۰ دانشگاه کشور در نامه سرگشاده‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به تک‌خوانی زنان در کشور اعتراض کردند.
بخش‌هایی از این نامه بدین شرح است:
«... آیا یا معنی مدیریت جهانی در سال اقتصاد و فرهنگ، حمایت از کسرت‌های تکخوانی زنان آوازخوان و حرکات موزون و رقص باله در حضور مردان است؟! معلوم نیست اگر نام امسال مدیریت جهانی در عرصه فرهنگ نود و چهارم می‌گردد؟! جناب وزیر ارشاد اسلامی، با کدامین حکم و اجازه شرعی چنین مجوزهایی صادر کرده‌اید؟ رقص زنان آوازخوان در پایتخت ایران، مطابق با کدام سر فصل و اولویت فرهنگ این کشور است؟ آقای وزیر، هنوز نگاه مادران به تابوت استخوان‌های باقی مانده از فرزندانشان تمام نشده است، هنوز اشک چشم دختران و پسرانی که پدرانشان را دادند تا حیا و عفتشان را نگه دارند، خشک نشده است.
... ما دانشجویان دانشگاه‌های ایران اسلامی با ابراز انزجار عمیق از وقایع ضد فرهنگی روزهای اخیر، به جنابعالی و مسئولان فرهنگی دولت و همچنین کمیسیون فرهنگی مجلس اخطار جدی می‌دهیم که در صورت عدم اصلاح وضعیت موجود، به انتشار بیابانه اکتفا نکرده و گام‌های بعدی را از طریق مجاری نظارتی و چارچوب‌های پیش‌بینی شده قانونی برخواهیم داشت.
از ریاست جمهوری نیز انتظار می‌رود تا صبر و تحمل ملت مسلمان و غیرتمند ایران تمام نشده، هر چه سریع‌تر در اصلاح امور فرهنگی و زدودن شائبه «ترویج بی‌عفتی» از دامان دولت، اقدام کنند تا دولت بتواند در فضایی آرام و به دور از التهاب، به رفع مشکلات و مطالبات واقعی مردم بپردازد.»

## بازگرداندن آبروی فرزندان علمی کشور

جامعه اسلامی دانشجویان طی نامه‌ای خطاب به روحانی خواجهان پرسیدگی هر چه سریع‌تر به پرورنده‌های بورسیه غیرقانونی شد.
بخش‌هایی از این نامه بدین شرح است:
«... پیش از استیضاح وزیر علوم و بحث بورسیه‌ها به صورت گسترده توسط برخی رسانه‌ها تازش شد تا پیگیری مسئله بورسیه‌ها توسط وزیر علوم علت استیضاح وی به نظر برسد، که دلیل اصلی این حرکت یک فریب و دروغ رسانه‌ای برای انحراف افکار عمومی بیش نبوده است. بررسی منطقی و بدون هیاهوی موضوع بورسیه‌ها و همچنین تأکید ریاست محترم جمهوری به پیگیری این مسئله، مشخص شده است که تعداد زیادی از این بورسیه‌ها قانونی بوده و حدود هزار مورد هم شناسایی شده است که دارای مشکلات قانونی هستند. ما به عنوان نماینده دانشجویان و دانشگاهیان به عنوان کسی که در کلام دغدغه‌مند فضای دانشگاهی و مسئله بورسیه‌هاست از جنابعالی استدعا داریم که: در فضای منطقی و به دور از هیاهو پرورنده تمام بورسیه‌های صورت گرفته در طول مدت ۲۴ سال اخیر (۱۳۹۴ – ۱۳۶۸) بررسی و نتایج کارشناسی شده این پروند (به اطلاع ملت شریف ایران و جامعه دانشگاهی رسانده شود تا تمام شبهات و سوآلات آذهان عمومی برطرف گردد... در هنگام اتمام تحقیقات با افرادی که در این مدت بدون هیچ توجیهی و بسیار دقیقیی بر فعالیت‌های دانشجویی به منظور جلوگیری و از اشاعه ایدئولوژی کمونیسم داشتند و فضای امنیتی و اختناق آمیز سنگینی را در جامعه و به خصوص دانشگاه‌ها و جنبش‌های دانشجویی چپ‌گرا و ضد جنگ ایجاد کرده بودند. در ادامه برای نمونه به بر‌خورد دولت‌های امریکا و آلمان نسبت به جنبش‌های دانشجویی اشاره می‌نماییم.

## پیش از ۱۰ اعتراض دانشجویی در یک ماه

طی یک ماه گذشته دانشگاه‌ها سراسری بیش از ۱۰ تجمع و اعتراض در رابطه با مشکلات صنفی دانشجویی را شاهد بودند. افزایش قیمت زتون غذای دانشجویی و کمبود خوابگاه‌ها در رأس اعتراضات دانشجویی قرار گرفته به طوری که در همین مدت کوتاه که از سال تحصیلی ۹۴ – ۹۳ طی شده، اعتراضات صنفی دانشجویی دانشگاه‌های هنر اصفهان، کوی دانشگاه تهران، سیستان و بلوچستان، شهید بهشتی، صنعتی اراک، علوم و فنون خرمشهر، سمنان، شهید چمران اهواز، خواجه نصیرالدین طوسی، مرکز آموزش عالی سلمان فارسی ثبت شده و دانشجویان با برگزاری تجمع‌های مختلف خواستار رسیدگی مسئولان دانشگاه‌ها شده‌اند. این درحالی است که دانشگاه آزاد و پیام نور نیز با افزایش شهریه‌ای که در ابتدای سال داشتند، با اوج اعتراضات دانشجویی در هفته اول سال تحصیلی مواجه شدند.

# دانشگاه



## اشاره رئیس‌جمهور به کیست؟ | متهمی که نیست!

متهم می‌شوند به یک اقدام محدودساز: حذف بخشی از علوم به این علت که با عقاید مذهبی آنها همساز نیست. بعد هم توصیه دعوتی عاقلانه و همه پسند و کلی؛ دعوت به نقد به جای حذف. حقیقتاً برای من سؤال شد که دکتر روحانی از چه کسانی حرف می‌زند؟ شروع کردم به حدس زدن آن عده مجهول در کلام رئیس‌جمهور. هر دسته و گروهی را که احتمال داشت اقدامی در جهت حذف علوم انجام دهند یا سابقه‌ای در این راستا داشته‌اند را در ذهنم حاضر کردم. به نتیجه جالبی رسیدم. آن گروه‌هایی که به احتمال زیاد مدنظر دکتر بوده‌اند بالقوه و بالفعل نمی‌توانند مورد این اتهام قرار بگیرند. از طرف دیگر به متهمی رسیدم که این اتهام برای آنها به اثبات رسیده است اما دکتر روحانی نسبت به آن گروه توجهی ندارد. از این رو نام این نوشته را گذاشتم: **توهم متهمی که نیست**، غفلت از متهمی که هست.

به نظر می‌رسد متهمان مورد نظر دکتر روحانی از دو گروه خارج نیستند: دسته اول اندیشمندانی هستند که قائل به امکان علم دینی‌اند و نظریه آنها حداقل حائز دو ویژگی به صورت توأمان است: نخست آنکه نظریه به گونه‌ای است که ایده حذف علوم غیر دینی از آن قابل انتاج بحث است. در درجه دوم نظریه دارای بُرد اجتماعی بین دانشجویان و صاحب‌نظران است که سبب مهم شدن مسئله گشته و ریاست جمهوری بر خود لازم دانسته که نسبت به آن تذکر دهد. وقتی نظرات صاحب‌نظران این حیطه را بررسی کردیم در ملاحظه شد که از بین نظریاتی که در جوامع علمی مقبولیت دارند، نه تنها پیشنهادی برای حذف شاخه‌های علمی بیرون نمی‌آید بلکه همه آنها بر لزوم یادگیری و تسلط عمیق بر رشته‌های موجود برای شناخت ضعف‌های آنها تکیه داشتند. در انتهای نوشته، خلاصه‌نظرات صاحب‌نظران برای مطالعه بیشتر آورده شده است. دسته دوم که احتمال می‌رود انگشت‌اتهام به‌سوی آنها باشد دست اندرکاران اقداماتی هستند که در سال‌های گذشته برای اصلاح مواد درسی رشته‌های دانشگاهی فعالیت‌هایی انجام داده‌اند. در این مورد هم نمی‌توان جابه‌جایی و حتی حذف برخی واحدهای درسی در بعضی رشته‌ها را مصداق حذف بخش‌هایی از علم و دانش دانست.

**متهمی که هست**

اما با کمی دقت می‌فهمیم که آقای رئیس‌جمهور در شناخت عناصر که در صدد حذف بخش‌هایی از دانش هستند به اشتباه رفته‌اند. اگر برای حذف بخشی از علوم دست‌هایی در کار باشد، همانا آن دست‌هایی است که با ترور دانشمندان و اندیشمندان ایران اسلامی در صدد توقف دانش هستند. همان دست‌هایی که در گذشته استاد مطهری را ترور کرد تا چرخ نوآندیشی اسلامی متوقف گردد و در زمان نه چندان دور

چندین دانشمند و فعال در دانش هسته‌ای مان را اینان متهمان اصلی حذف رشته‌هایی از علوم هستند آن هم به وحشیانه‌ترین شکل آن یعنی حذف فیزیک یکی حاملان آن دانش‌ها. کاش روی تذکر دکتر روحانی به سمت چنین متهمانی می‌رفت که هستند نه به سنت متهماتی که فرضی‌اند و در واقع نیستند.

**برای مطالعه بیشتر**

در این قسمت خلاصه‌ای چند خطی از نظریات صاحب‌نظران علم دینی ارائه می‌گردد. مطالعه دقیق نظریه‌های مطرح، روشن می‌کند که هیچ‌نظریه‌ای دعوت به حذف علوم موجود نمی‌کند. برای مطالعه بیشتر و دقیق‌تر نظریات می‌توانید به کتاب «علم دینی» مراجعه نمایید.

**دکتر زیبا کلام:** علوم طبیعی و انسانی مشحون از پیش‌فرض‌ها و مبادی ارزشی و فرهنگی است که می‌توان با مبانی و باورهای فرهنگی و دینی خود علوم جدید را نقد کرد و حتی فراتر از آن به بنیانهای علوم جدید با مبانی جدید همت کرد. **دکتر سیدحسین نصر:** ایشان نیز تأثیر جهان‌بینی افراد و جامعه را در تولید علم قبول دارد و با توجه به بروز اثرات مخرب علوم جدید لزوم تحول در این علوم و بیناگناری علمی جدید بر پایه معارف دینی لازم می‌شورد. ایشان برای نیل به این مطلوب شناخت کامل علوم جدید را لازم می‌داند و از به کارگیری علوم و فناوری‌های امروز پس از گزینش سخن می‌گوید.

**دکتر خسرو باقری:** وی نیز نظریه‌های اثبات‌گراییه که بر پریده بودن دانش تجربی از متافیزیک وارد دارد، را رد می‌کند و الهام‌بخشی متافیزیک بر پیش‌فرض‌ها و مبانی تجربی علوم را می‌پذیرند. در این نگاه علوم تجربی موجود می‌توانند علم تجربی دینی را به چالش بکشند و وظیفه علم دینی است که بر پایه توفیر و دینی‌ و روش از این چالش‌ها بیرون بیاید. **فرهنگستان علوم اسلامی قِم:** این اندیشه نیز جهت‌داری علوم را در لابه‌لای مخلفش قبول دارد و برای علوم دو جهت دینی و غیر دینی قائل است. این جهت‌داری ممکن است در سه زمینه پیشرفت‌شناسی، روش و کاربری اتفاق بیفتد. این اندیشه نیز مانند نمونه‌های قبل در راه رسیدن به مطلوب خود، چشم خویش را بر علوم موجود نمی‌بندد، بلکه لازم می‌داند با تسلط و ریزبینی بیشتری به آنها بگردد نتیجه شود تا اعماق فلسفی و معرفتی آنها کشف گردد.

**آیت‌الله جوادی آملی:** آنچه از نظرات ایشان برمی‌آید این است که اگر معرفت و علمی به واقع عقلی باشد حتماً دینی نیز می‌باشد. عقل به عنوان یک منبع جزیر دین است. ایشان با دینی‌داستن هر دانشی که عقلی باشد برخی از علوم تجربی و انسانی موجود را ناقص می‌دانند و حتی برای اصلاح آنها پیشنهاداتی ارائه می‌دهند.

## برخورد قهرآمیز دولت‌های غربی با جنبش‌های دانشجویی

از اصول سوسیالیسم انجامید و دیگری ائتلاف بزرگ میان دو حزب عمده سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی (CDU) بود که در سال ۱۹۶۶ اتفاق افتاد. برداشتی که گروه‌های ترقی‌خواه از این حوادث کردند این بود که پارلمان دیگر جای آنها نیست و گروه‌های مخالف واقعی باید خود را در خارج از چارچوب حکومت رسمی قرار دهند. در همین زمان یکی از گروه‌های دانشجویی چپ که به فعالیت‌های مسلحانه روی آورده بود، «فراکسیون ار تیش سرخ» نام داشت. به دنبال سیاست‌های سسر کوپ‌گرایانه دولت تعدادی از دانشجویان چپ‌گرا از شغل‌های خود اخراج شدند و در معرض ممنوعیت استخدام قرار گرفتند. یکی از دلایل اعتراضات دانشجویان



نویسندگان و اخراج تعدادی از آنها صورت گرفت. در نتیجه این سیاست‌ها و جو سنگین سیاسی صدها نفر راهی زندان شدند و ده هزار نفر از کار برکنار شدند. پس از سقوط رژیم شوروی، از نگرانی دولت‌مردان امریکایی درباره فعالیت‌های دانشجویان کاسته شد و فضای دانشگاه‌ها بازتر گردید. اما همچنان نظارت دقیقی بر جنبش‌های دانشجویی می‌شود. بنا بر شواهد بر تعداد و ماهیت خواسته‌های گروه‌های دانشجویی افزوده شده است اما آنها دیگر تأثیرگذاری سابق خود را بر جامعه ندارند. از مهم‌ترین جنبش‌های دانشجویی کنونی در امریکا کمپین دانشجویان مدافع صلح است که اعتراض شدیدی نسبت به سیاست‌های مداخله‌گرایانه نظامی ایالات متحده دارند.

**سیاست‌های دولت آلمان در قبال جنبش دانشجویی**

در آلمان دلیل اصلی سرکوب دانشجویان بازم‌نگرانی‌ها از نفوذ مارکسیسم تا سال ۱۹۹۰ بود. جنبش دانشجویی در آلمان جزئی از یک گروه سیاسی بزرگ‌تر به نام «مخالفین خارج از پارلمان» بود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیدایش این جریان، یکی تشکیل کنگره حزب سوسیال‌دموکرات آلمان (SPD) در سال ۱۹۵۹ بود که به تجدیدنظر در برخی

## تیتراخبر

- نیمه اول آبان؛ زمان معرفی گزینه وزیر علوم
- راهپیمایی اعتراضی دانشگاه‌های سراسر کشور در اعتراض به حکم اعدام آیت‌الله نمر
- فعالیت یک تشکل منحرف در دانشگاه دزفول
- معرفی ۶۰۰ نفر از دانشجویان بورسیه غیر ایرانی به دانشگاه‌ها در امدان
- تذکر آموزشی به چند دانشگاه مجری داروسازی
- اشغال به کار ۹۵ درصد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی پیام نور
- جذب ۶۰ عضو هیئت علمی جدید در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد
- محمد رضا عرف: تنها پستی که آرزو دارم دوباره داشته باشم، ریاست دانشگاه تهران است
- سرپرست وزارت علوم: برخی دانشگاه‌ها می‌خواهند با مجوز پذیرش کارشناسی‌ارشد و دکتری شهریه تأمین کنند
- رئیس اتحادیه دانشگاه‌های غیرانتفاعی: دانشگاه آزاد «فقط و فقط» برای پول فریفت تحصیلات تکمیلی را افزایش داد
- اعزام ۱۷۰۰ دانشجوی صنعتی شریف به کر بلا در ایام اربعین

### زندگی دانشجویی

### جبهه یا درس؟

سال ۶۴ بود، بیحوچه جنگ، می‌رفت عملیات و برمی‌گشت. کنکور داد قبول شد. رشته برق دانشگاه صنعتی شریف. گفتم: «دانشگاهت را برو، جبهه هم برو.» گفت: «اگه گفتم جنگ واجب‌تر از همه است.» می‌گفت: «اگه هم‌زمان درس هم بخونم معدلم پایین میاد، میخوام خوب درس بخونم. جبهه میرم اگه شهید شدم که هیچ… اگه سالم برگشتم میرم دانشگاه.» تا جنگ بود نتوانست درست و حسابی برود سر کلاس، جنگ که تمام شد درسخ را شروع کرد. آن زمان دانشجویها که می‌خواستند بروند جبهه، باید نامه‌ای از سپاه می‌بردند و تعویق ترم می‌گرفتند. سال آخر جنگ وقت تعویق ترم که شد، جبهه بود، وسط عملیات. جنگ تمام شد، وقتی برگشت دانشگاه، به خاطر ترمی که نرفته بود اذیتش کردند. از سپاه نامه گرفت، بازم قبول نکردند. هر وقت می‌دیدمش می‌گفت درست می‌شود. خیلی دوندگی کرد تا بالاخره موفق شد.



شهید علانمرضاضایی

### دخترانه



### میرزا قاسمی به سعی مریم

**زهرا صالحی**

اولین ترمی که به خوابگاه رفتم، با مریم هم اتاق شدم، در بین شلوغی رفت و آمد و جای گیری بچه‌ها، مریم سر خوشانه در آشپزخانه برای خودش ناهار می‌پخت، پیش از آنکه مریم ظرف غذا به دست، وارد اتاق شود عطر غذایش کل راهرو را پر کرده بود، در را که باز کرد گفتم: میرزا قاسمی به سعی مریم.

آن «میرزا قاسمی به سعی مریم» سراسر آغاز داستان آشپزی‌های هیجان‌انگیز مریم و اضافه شدن هر روز یک نفر به سفره‌مان بود، تنها غذاهای مریم نبود که دل می‌برد، بلکه هرچه با دست‌هایش درست می‌کرد آنچنان خوشمزه و لذیذ می‌شد که تنها وقتی به خانه بازمی‌گشتمیدم دست‌دستخت مادرهایمان را می‌خوردم کمی مذاقمان راضی می‌شد.

کم کم آوازه دست‌پخت مریم به گروه‌های دیگر هم رسید، بچه‌های متأهل که دنبال غذای سریع برای شب‌های امتحان بودند یا قصد داشتند شام مخصوصی برای تولد و سالگرد از دو‌اجشان تهیه کنند، سراغ مریم می‌آمدند، آنهایی که خانه دانشجویی داشتند و می‌خواستند مهمانی ناهار یا عصرانه بدهند برای گرفتن دستور دسسر و غذا پیش مریم می‌آمدند و البته نتیجه کارشان به خوشمزه‌گی غذای مریم نمی‌شد. شب‌های امتحان که دور هم جمع می‌شدیم مریم به شلقاچه‌ها یا پیراها را پر از ساندویچ‌های عجیب و غریب و خوشمزه یا بیسکویت‌هایی با طعم کاکائو و قهوه می‌کرد، شب‌های سرد دمنوش‌های خوش‌عطر و انرژی‌زا به خوردمان می‌داد. مریم هر روز جدی‌تر از روز قبل آشپزی می‌کرد و کمتر درس می‌خواند، آخرین ترم‌هایی که در خوابگاه بودم در موسسه آشپزی معرفی می‌تدم تدریس می‌کرد.

شش‌پ آخرین امتحان من بود و شش‌پ یکی از امتحان‌های مریم که برای چندمین بار آن درس را برداشته بود، روی برگه چرخ‌کنویس‌اش به جای اعداد و فرمول، لیست غذایی با جزئیات دستور پخت و تصویر فرضی از چینیش سفره بود. متوجه نگاه من که شد، دست‌پاچه گفتم: الان شروع می‌کنم به خواندن! چون حیرت‌انگیز بود که در آن خردم می‌گفتم که چرا درسش را نمی‌خواند و مدام در پی کار دیگری است. این‌بار ولی به جای همه توضیح‌ها از مریم پرسیدم: مریم دوست داشتی به جایی بازمی‌کردی و توش غذای خانگی می‌پختی؟ چشم‌هایش برق‌زد، انگار همیشه منتظر این بود که کسی چنین سوآلی از او بپرسد، با هیجان پاسخ داد: آره! البته بیشتر دلم می‌خواست یک‌جایی داشتم که همه چیز سرو می‌کردم، صبحانه، ناهار، عصرانه، شام، کلی هم روی لیست غذا و کیک و شیرینی‌ها فکر کردم…

مریم با اشتیاق از آینده‌ای می‌گفت که برای خودش متصور بود و من به این فکر می‌کردم که چه ایرادی داشت که پدر و مادر مریم آن همه هزینه برای به دانشگاه رستادن او را صرف کاری می‌کردند که مریم هم به آن علاقه داشته باشد و هم مهارت؟!